دریچه

ازدواج دختران ۱۳ تا ۱۶ سال فقط با اذن دادگاه

● **ایلنا:** نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: در طرح افزایش سن ازدواج که با قید یک‌فوریت تحویل مجلس شده، دختران بین ۱۳ تا ۱۶ سال برای ازدواج باید حکم قانونی از دادگاه دریافت کنند و ازدواج دختران زیر ۱۳ سال نیز ممنوع خواهد شد. طبق آخرین آمار رسمی ثبت‌شده در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ از ۴.۹ تا ۵.۶ درصد (حدود ۴۰ هزار) کل ازدواج‌های ثبت‌شده در کشور در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله قرار دارد؛ هرچند در این گروه سنی در کنار این آمار باید وجود آمار غیررسمی را نیز در نظر گرفت؛ ازدواج‌های ثبت‌نشده‌ای که بین مهاجران، اتباع غیرایرانی و کودکانی که دارای مادر ایرانی و پدر غیرایرانی هستند، روی می‌دهد. از طرفی مدیرکل ثبت احوال کردستان اعلام کرده که از چهارهزار و ۵۲۰ ازدواج ثبت‌شده در استان کردستان در چهارماهه سال جاری ۹۷۰ مورد معادل ۲۱ درصد زنان کمتر از ۱۸ سال و در آقایان هم ۳۶ مورد معادل هشت‌دهم درصد کمتر از ۱۸ سال بوده است. این آمار در حالی اعلام شده که در روزهای اخیر کارشناس مسئول مرکز بهداشت استان مرکزی نیز آمار قابل‌تأملی از کودک‌همسرهای یکی از شهرستان‌های استان مرکزی اعلام کرده و گفته است در این شهرستان ۳۵ دختر زیر ۱۰ تا ۱۳ سال عقد شده‌اند. طیبه سیاوشی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در رابطه با این آمار گفت: در این قبیل اتفاقات بحث فقر و فرهنگ سنتی برخی مناطق مطرح است. او تأکید کرد که بسیاری با افزایش سن ازدواج موافق نیستند و به همین خاطر باید در این رابطه تلاش بسیاری انجام داد و روی این موضوع کار کرد. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه طرح افزایش سن ازدواج با قید یک‌فوریت تحویل مجلس شده است، اظهار امیدواری کرد به‌زودی در مجلس در این رابطه بحث خواهد شد. نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که در این طرح حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۶ سال و برای پسران ۱۸ سال پیش‌بینی شده است؛ در حالی که در حال حاضر حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال است و دختران زیر ۱۳ سال تنها با مجوز دادگاه امکان ازدواج دارند؛ اما در طرح جدید دختران بین ۱۳ تا ۱۶ سال برای ازدواج باید حکم قانونی از دادگاه دریافت کنند و ازدواج دختران زیر ۱۳ سال ممنوع خواهد شد.

تهرانی‌ها و کرجی‌ها رکورددار سفر تعطیلات

● **شرق:** رئیس سازمان راهداری گفت: بیشترین خروجی در تعطیلات اخیر مربوط به تهران و البرز است. عبدالهاشم حسن‌نیا با اعلام این خبر گفت: هم‌زمان با ایام عید سعید قربان و تعطیلات پایان هفته حجم سفرهای هموطنان در محورهای مواصلاتی کشور افزایش یافته است به طوری که بررسی آمار ورودی و خروجی استان‌ها طبق اعلام مرکز مدیریت راه‌های کشور از ساعت ۱۲ ظهر چهارشنبه (مورخ ۳۰ مرداد ماه) لغایت هشتم بامداد جمعه (اول شهریور) ماه حاکی است مجموع ورودی و خروجی استان‌ها در این مدت بیش از هفت‌میلیون‌و۷۶۹هزارو ۲۱۲ مورد تردد بوده که بیشترین میزان ورودی و خروجی به ترتیب مربوط به استان‌های البرز، مازندران، تهران، گیلان، قم و همدان بوده است. وی افزود: در این مدت بیشترین میزان خروجی مربوط به استان‌های تهران و البرز و بیشترین میزان ورودی متعلق به استان‌های مازندران، گیلان و همدان بوده است.

آمارهایی از خودکشی

● **ایسنا:** رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران با اشاره به نبود روند دقیق ثبت آمار خودکشی در کشور، گفت: روند خودکشی در ایران معمولا ثابت بوده و رقمی در حدود پنج تا هفت مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر را نشان می‌دهد. سیدحسن موسوی‌چلک، با بیان اینکه آمار موارد «اقدام به خودکشی» با آمار موارد «منجر به فوت» متفاوت است، افزود: تنها مرجع آمار مربوط به خودکشی‌های منجر به فوت سازمان پزشکی قانونی است. اما معمولا آمارهای این حوزه دقیق نیست؛ چراکه ممکن است دلیل مراجعه به بیمارستان، به دنبال نوع نگاه اجتماعی نسبت به خودکشی یا استفاده از خدمات بیمه‌ای مطرح نشود. به همین دلیل معمولا آمار اقدام به خودکشی حداقل سه برابر بیشتر از تعدادی است که اعلام می‌شود. وی با اشاره به اینکه گاهی اعلام آمارهای مربوط به این آسیب اجتماعی به دلیل تفاوت در تعاریف دچار تفاوت‌هایی است، اظهار کرد: همچنین در سالنامه آماری که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود نیروی انتظامی هم آمار موارد مربوط به خودکشی منجر به فوت و اقدام به خودکشی را اعلام می‌کند اما آمار مربوط به پزشکی قانونی بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرد. با این وجود آمار ثبت خودکشی در کشور روند ثابتی را نشان می‌دهد و درحدود پنج تا هفت نفر از هر۱۰۰ هزار نفر است. به گفته رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران، بیشترین آمار خودکشی در کشور مربوط به استان‌های ایلام و کرمانشاه به دلایلی مانند مشکلات اجتماعی، تأثیرات فرهنگی و نداشتن مهارت‌های اجتماعی است. به همین دلیل مسئله پیشگیری از وقوع خودکشی و مداخله به‌موقع و تخصصی همراه با حمایت‌های روانی اجتماعی در این خصوص از اهمیت زیادی برخوردار است.

مروری بر عملکرد شهرداری که رکورددار طولانی‌ترین دوره مسئولیت در پایتخت بود

یک سال پس از قالیباف

معصومه اصغری: یک‌سال از ناکامی اصولگرایان و ازدست‌دادن کرسی‌های سبز شورای شهر تهران در خیابان بهشت می‌گذرد. ۱۵ سال پیش بود که دوره بی‌رقیب آنها در مدیریت شهری شروع شد؛ وقتی که محمود احمدی‌نژاد کلید اولیه تحولات بلندپروازانه در بهشت را زد و با خیزی موفقیت‌آمیز روی گرده اصولگرایان به هشت سال ریاست‌جمهوری رسید. محمدباقر قالیباف برگ برنده دوم آنها به‌عنوان پیشانی و خط‌شکن این جریان سیاسی بود؛ مردی که کسوت شهردار تهران را داشت، اما در عمل در ۱۲ سال شروع به جریان‌سازی و کادرسازی و البته نمایش‌های متفاوت و گران و بزرگ برای رسیدن به هدف اصلی خود؛ یعنی ریاست‌جمهوری کرد؛ هدفی که اگرچه با صرف هزینه و اعتبار بالا، هم برای خودش و هم شهر تهران تمام شد، اما محقق نشد و در نهایت ناکام از بهشت رفت.

نمی‌توان دوره ۱۲ساله شهردار سابق تهران را که با اصرار اصولگرایان به تغییر یک قانون به شکلی غیرمعمول سه‌دوره‌ای شد بدون تلاش‌هایش برای رسیدن به منصب ریاست‌جمهوری دید؛ به‌عنوان‌مثال چه خودش و هم‌جریانی‌هایش قبول کنند، چه نکنند، خیلی از اهالی پایتخت اقداماتی مثل احداث پل صدر را بخشی از تلاش‌های نمایشی او برای کسب منصب ریاست‌جمهوری می‌دانند؛ نمایش‌هایی که حالا تهران و ساکنانش بیشتر تبعاتش را حس می‌کنند؛ مثلا بودجه‌ای که صرف احداث آن بزرگراه دوطبقه شد می‌توانست صرف راه‌اندازی خطوط ۶ و ۷ مترو شود که حداقل با دو سال تأخیر مواجه شده‌اند و نبودشان برای مردم آشکارتر می‌شود.

رابطه تلخ با دولت

قالیباف در همه این ۱۲ سال به‌واسطه این تلاش‌های ناکامش به‌عنوان رقیب گذشته و آینده در چالشی منفی با رؤسای‌جمهور بود و همین اختلاف و فاصله جدی اگرچه همیشه هم لزوما تقصیر او نبود، اما در به‌زمین‌ماندن پروژه‌های اساسی تهران کم تأثیر نداشت. در این میان آنچه اول از همه قربانی می‌شد، اعتبارات دولتی شهر و سهم دولت برای حمل‌ونقل عمومی پایتخت بود. در این سال‌ها اگر این اختلافات و حاشیه‌ها نبود، تأمین و دریافت بودجه‌های مورد نیاز و مقرر برای تکمیل هشت خط متروی تهران می‌توانست از دولت به شهرداری برسد و همین‌طور در کنار آن خطوط اتوبوس‌رانی متصل به هم و شاید خطوط تکمیلی مثل LRT هم به آن اضافه شود تا امروز پایتختی به بزرگی تهران با مشکل جدی کامل‌نبودن خطوط حمل‌ونقل عمومی‌اش مواجه نباشد. همین اختلافات و رقابت سیاسی بی‌پایان قالیباف و رؤسای‌جمهور از جایی به‌بعد، شاید از سال ۹۲ و باخت قالیباف در دومین تلاشش برای ریاست‌جمهوری باعث شد او دیگر نه برای گرفتن پول از دولت تلاش قابل‌توجهی کند و نه دیگر مترو که در همه این سال‌ها پروژه اولویت‌دار او برای تهران بود در اولویت قرار داشته باشد. از آن به‌بعد هم تهران در سراشیبی بی‌پولی و ورشکستگی افتاد.

قالیباف در ابتدای کارش به‌عنوان شهردار، فعالانه و جدی و حتی قوی شروع کرد. او در گام اول به سراغ پروژه‌هایی که روی دست تهران و تهرانی‌ها مانده بود رفت و آنها را تمام کرد؛ پروژه‌هایی مثل تونل رسالت و برج میلاد که سال‌ها از شروعشان می‌گذشت و لازم بود با اهتمامی جدی و اعتباری قابل‌توجه تمام شوند. در همه این سال‌ها برنامه‌ریزی و اقدامات او با همکاری مدیرانی پیش رفت که با شیوه اتوبوسی، اما به‌مرور از نیروی انتظامی و مشهد به شهرداری تهران آمدند؛ مدیرانی که هم‌قسم با فرمانده‌شان تا روز آخر ماندند و همراهش بودند.

سربازان فرمانده

واقعیت این است که قالیباف بدون تیم مدیران نسبتا جوان و میدانی‌ای که در هر موقعیتی کمک‌کارش بودند نمی‌توانست این ۱۲ سال را بگذراند؛ مدیرانی مثل جعفر تشکری‌هاشمی که بیش از ۱۰ سال مسئولیت مهم‌ترین پروژه‌های عمرانی و ترافیکی شهر را داشت و به‌نوعی بازوی مهم قالیباف بود. او همچنین شهردارانی مثل مجتبی عبداللهی داشت که در این سال‌ها، هم شهرداری منطقه را تجربه کرد و هم معاونت شهردار را و هم بدون تخصص از معاونت خدمات شهری به معاونت اجتماعی و فرهنگی رفت و برای رئیسش کار می‌کرد. از جمله دیگر یاران شهردار اسبق می‌توان به مدیرانی اقتصادی مثل حسین محمدپورزرندی اشاره کرد که تا وقتی بود به‌خوبی لایه‌های اقتصادی و اسناد و ردوبدل‌های مالی شهرداری را رتق و فتق می‌کرد. او همانند بسیاری از مدیران قالیباف، مزد اقداماتش را هم گرفت و مدیریت بانک شهر را به دست آورد، پورزرندی تا همین چندوقت پیش در این مسئولیتش باقی ماند؛ مسئولیت مدیریت بانک شهری که از قبل رفتن قالیباف تبدیل به تنها اسپانسر بانکی شهرداری تهران شده بود و در دوره جدید با همین اعتبار و سرمایه و سهامی که در پروژه‌های شهری کسب کرد، دست روی گلوی ادامه اجرای آنها گذاشت؛ موضوعی که چندی پیش مجید فراهانی، عضو شورای شهر تهران، در گفت‌وگو با «شرق» به صراحت به سنگ‌اندازی‌های این بانک جلوی اجرای پروژه‌های شهری اشاره کرد.

شهردار تهران که در این سال‌ها خود را در قامت رئیس‌جمهور می‌دید، همواره به دنبال ارتقای موقعیت شهرداری تهران در میان منصب‌های دولتی هم بود. واقعیت این است که مسئولیت شهردار پایتخت کم از وزرای دولت نیست و شهردار تهران باید ریاست بسیاری از مجامع مرتبط با پایتخت را برعهده یا حضور دائم و همراه با رأی داشته باشد، اما در عمل شهردار تهران از گذشته تاکنون به دلایل مختلف که می‌توان اصلی‌ترین آن را عدم تقسیم قدرت دانست، در جلسات مهم و همراه دولت سهمی نداشت.

قطع ارتباط میان شهردار با رئیس‌جمهور و دولت که از دوره محمود احمدی‌نژاد رقم خورده بود، در دوره قالیباف هم ادامه یافت و او دیگر به هیئت دولت نرفت. هشت‌سالی که احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور بود، به عنوان یک اصولگرا با قالیباف رقیب کنار نیامد و شهردار تهران به جلسات دولت نرفت. این اختلاف بر سر قدرت در دولت یازدهم هم که شعار اعتدال داشت، ادامه یافت و البته تبعات این مسئله تنها حضور شهردار در جلسات هیئت دولت نبود که قطع شد بلکه دامنه‌ای از اعتبارات و اقدامات اجرائی سهم و تعهد دولت برای پایتخت بود که متوقف، حذف یا معلق ماندند.

قالیباف در همه این سال‌ها به‌واسطه تلاش‌های ناکامش به‌عنوان رقیب گذشته و آینده در چالشی منفی با رؤسای‌جمهوری بود و همین اختلاف و فاصله جدی اگرچه همیشه هم لزوما تقصیر او نبود، اما در به‌زمین‌ماندن پروژه‌های اساسی تهران کم تأثیر نداشت. در این میان آنچه اول از همه قربانی می‌شد، اعتبارات دولتی شهر و سهم دولت برای حمل‌ونقل عمومی پایتخت بود

پولدارترین شهردار

قالیباف پولدارترین شهردار تهران بود، همان‌طور که احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور هم‌دوره‌اش به واسطه افزایش قیمت نفت تا بالای صد دلار پولدارترین رئیس‌جمهور بود. گفتن ندارد که اعتبار اعلامی و علنی بودجه شهرداری تهران با عددی که در عمل و در لایه‌های این مجموعه عریض و طویل صرف می‌شود، فرق داشت. یک بار رئیس کمیسیون بودجه یکی از شوراهای پیش از این شورا به خبرنگار «شرق» این‌طور گفت: «بعد از هشت سال زیروروکردن حساب‌های شهرداری فکر نمی‌کنم هنوز به لایه دوم هم رسیده باشیم». آن عضو شورای سابق می‌گفت: «پورزرندی تنها کسی بود که می‌توانست حساب‌های شهرداری را لایه به لایه پیدا و پنهان کند و خودش بفهمد چه می‌کند و چه می‌گذرد». در برخی اقدامات قالیباف برای درآمدزایی از شهر (اگر اسمش را صراحتا فروش شهر نگذاریم) با همراهی و همکاری شوراهای دوم، سوم و چهارم سر بزنگاه‌هایی مثل گود ایران‌زمین متعلق به بابک زنجانی گاهی دم خروس توافقاتی دور از انتظار و قانون بیرون می‌زد.

حالا یک سال از رفتن قالیباف از شهرداری پایتخت می‌گذرد و تهران به دلیل بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی نه تنها توان اجرای یک پروژه بزرگ را ندارد بلکه پروژه‌های مهم و حیاتی شهر مانند مترو هم روی زمین مانده‌اند. در این مدت و در نبود قالیباف و همچنین کارنامه یک‌ساله تیم مدیریت شهری کنونی، از شورای پنجم تا دو شهرداری که انتخاب کردند، نبود قالیباف بیشتر به چشم برخی شهروندان آمده است؛ در این یک‌سالی که عملکرد اصلاح‌طلبان آن‌قدر ضعیف بوده که در وضع شهر و شهرداری و مردم شهر تفاوتی به وجود نیامده. اصلاح‌طلبان در این مدت با انتخاب‌هایی که تنها به وقت‌کشی برای شهر و مدیریت شهری انجامید، تهران را در شرایطی گذاشته‌اند که هر شهروندی ناچار در ذهنش رو به مقایسه می‌آورد که آیا آن روند سابق خوب بود یا وضعیت این دوره؟ همین سؤال را از دو عضو سابق شورای شهر تهران، یک اصلاح‌طلب و منتقد قالیباف و یک اصولگرای حامی او پرسیدیم:

اقدامات ضد توسعه و ضد حقوق شهروندی

غلامرضا انصاری، عضو سابق شورای شهر تهران در باب این مقایسه به «شرق» می‌گوید: همان‌طور که کل ۱۴ سال جولان اصولگرایان در مدیریت شهری قابل دفاع نیست، عملکرد یک سال گذشته اصلاح‌طلبان در مدیریت شهری هم قابل نقد است و باید خیلی زود متوجه اشتباهات و کمبودها شده و اقدامات اصلاحی را شروع کنند.

او یکی از ویژگی‌های اصلاحات را تغییر، متناسب با شرایط و زمان و مکان، برنامه‌محوری، شجاعت در تصمیم و عمل و همراهی با پایگاه مردمی عنوان کرد و گفت: «خواست عمومی مردم در این دوره به سمتی رفت که خلاف انتظارات بود و اصلاح‌طلبان توانستند با این همراهی و اعتماد مردمی فرصتی برای خدمت به دست بیاورند و حالا اگر به اسم اصلاحات و با شعارهای اصلاح‌طلبانه آنچه را مردم خواسته‌اند اجرائی نکنیم اعتماد مردم سلب و سرمایه اجتماعی زائل می‌شود، اصلاح‌طلبانی که امروز در شورای شهر هستند، با سرمایه اصلاحات و هزینه هنگفتی که رئیس دولت اصلاحات برای تکرار لیست داشت، رأی میلیونی و بی‌سابقه‌ای را به دست آوردند و یک شورای بدون مزاحم و مخالف داشتند تا کسی نباشد چوب لای چرخ شورا بگذارد. انتظار می‌رفت در پایان یک سال مواردی مثل ورود شجاعانه به برخی از موضوعات و شفافیت در عملکرد و استفاده از مدیرانی با پتانسیل بالا را شاهد باشیم اما واقعیت این است که عملکرد شورای پنجم با آنچه انتظار بود فاصله زیادی دارد».

انصاری می‌گوید: «در این مدت از پتانسیل سرمایه‌های انسانی که درجریان اصلاحات وجود داشت، استفاده نشد و به‌جای ده‌ها مدیر جوان و خوشفکر از مدیران تکراری قبلی استفاده شد که صدماتی هم از آنها خوردند. پایگاه اصلاح‌طلبان مردمی است و قرار بود شورای پنجم با ارتباطات عمومی و گروه‌های مرجع و متخصص امور شهری بتوانند اتصالات بیشتری با مردم و در راستای نیازهای مردمی داشته باشد. انتظار این بود که کم‌کم سابقه تاریک، غیرشفاف و توأم با رانتی را که در این سال‌ها در تهران ایجاد شد، آشکار و برطرف کنند اما انتظار مردم و نخبگان و رأی میلیونی‌ای که وجود داشت، در این یک‌سال گذشته از دوستان اصلاح‌طلب شورایی برآورده نشد. به نظرم انتخاب اول شورای پنجم حاشیه‌های زیادی داشت و انتخاب دوم هم انتظارها را تاکنون برآورده نکرده است؛ درحالی‌که هنوز مدیران دوره قبل در قسمت‌های مختلف شهرداری تهران جولان می‌دهند و اصلاح‌طلبان نتوانستند تغییرات را برای مردم ملموس کنند و اگر قرار بر تداوم گذشته بود، نیاز به این همه هزینه و ایجاد امید در بستر اجتماعی نبود».

او می‌گوید: «البته اعضای شورا و مدیریت شهری کنونی در این مدت اقدامات مثبتی هم داشته و پاکدستی در کارنامه قابل قبول آنها پیش‌روی ما است اما عملکرد آنها در بخش‌های اجرائی در حد انتظار نیست». انصاری ادامه می‌دهد: «قالیباف کارنامه قابل قبولی ندارد و همه اقدامات او ضد توسعه بوده است. پروژه‌هایی بدون منطق کارشناسی و نمایشی مثل پل صدر و نبود شفافیت مالی که در این سال‌ها داشته، باید زمانی ارزیابی شده و اگر روزی مجلس و شورای شهر تهران تحقیق‌وتفحص از شهرداری تهران آن دوره را انجام دهند، حجم تخلفات و اشتباهات آن دوره آشکار خواهد شد».

ما برنامه داشتیم اینها ندارند

قائدتا استدلال خودانتقادی انصاری را اصولگرایان ندارند و همچنان به دفاع از دوره خود و شهردارشان ادامه می‌دهند. ابوالفضل قناعتی، عضو شورای چهارم که بیشتر از نصف ۳۱ عضو آن اصولگرا بودند، شورای چهارم را در کمیت و کیفیت دارای شرایط بهتری نسبت به شورای پنجم که شورایی یک‌دست است، می‌داند. او می‌گوید: «بیشتر پارلمان‌های شهری با توجه به جمعیت، بیش از ۷۰ نفر عضو دارند اما همان ۳۱ عضو شورا را هم به ۲۱ نفر کاهش دادند و این تعداد نمی‌توانند به همه امورات شهری بپردازند. درعین‌حال اعضای اصلاح‌طلبی که در شورای چهارم عضو بودند، نسبت به اعضای شورای پنجم رزومه‌ای بهتر و بالاتر داشتند و سوابق مسئولیتی‌شان آنها را تبدیل به افرادی باتجربه کرده بود. قناعتی که شورای چهارم را شورایی موفق می‌داند، تکمیل‌کننده این موفقیت را مدیریت شهری موفق و قوی می‌داند و اضافه می‌کند: «بیشتر اتفاقاتی که در شهر رقم خورد، به عنوان پیشنهاد و لایحه از سوی شهرداری به شورا می‌آمد».

این عضو شورای سابق شهر تهران می‌گوید: «مدیرانی که در دوره پنجم در مدیریت شهری حاضر شدند، مدیرانی نبودند که برنامه کاری قوی بدهند و اقداماتشان در تهران نمود عینی داشته باشد؛ به همین دلیل مردم تهران هنوز اثرات این تغییر را ندیده‌اند. قالیباف و تیم کاری‌اش برای پنج سال آینده شهر تهران برنامه پنج‌ساله داشتند اما حالا که سال آخر برنامه پنج‌ساله دوم شهر تهران است، خبری از برنامه سوم نیست». او همچنین به روحیه میدانی و حضور مستقیم قالیباف در پروژه‌ها و موضوعات شهری اشاره کرد و گفت: «شورای پنجم انتخاب‌های اشتباهی در این یک‌سال داشت و کاملا منفعل عمل کرد. در این مدت به‌جای شایسته‌سالاری و استفاده از مدیران و نخبگانی که از دوره قبل حضور داشتند، شروع به جابه‌جایی و حذف مدیران کردند؛ درحالی‌که می‌توانستند از این مدیران استفاده کنند. همین حالا هم دیر نشده و بهتر است تعصب‌های حزبی و جریانی را کنار بگذارند و از ظرفیت همه مدیران و افراد کارآمد استفاده کنند تا کارشان پیش برود».

اگرچه نمی‌توان از عملکرد یک‌ساله اصلاح‌طلبان به کل اهداف و برنامه‌ریزی که آنها برای شهر در چنته دارند، پی برد و قضاوتی کامل کرد اما خروجی و نتایج همین دوره کوتاه یک‌ساله می‌تواند زنگ هشداری برای این جریان باشد تا از ۱۴ سال حضور تمام‌وکمال یک جریان سیاسی در شورا و شهرداری که همواره هم نقدش کرده است، درس عبرت بگیرد و بداند یک‌دست‌بودن در شورا و شهرداری لزوما دلیلی بر موفقیت نیست و چه‌بسا نتایجی مخرب به بار آورد. جریان‌های سیاسی وقتی در چارچوب مدیریت یک شهر قرار می‌گیرند، باید به دور از انتظارات حزب و روابط بین آنها به نفع شهر و مردم فکر کنند تا این هدف در اقداماتشان بجوشد و به چشم مردم بیاید.

خبر

دوچرخه‌سواری بدون تفکیک جنسیتی

● **شرق:** شهرداری تهران در آستانه محک‌زدن توان خود برای ترویج و تثبیت دوچرخه به‌عنوان یک وسیله نقلیه فراگیر در تهران است. طرحی که به‌زودی مرحله ابتدایی آن در برخی از مناطق مرکزی پایتخت کلید می‌خورد. بااین‌حال در این مدت برخی نگرانی‌ها و پرسش‌ها برای تعدادی از شهروندان به وجود آمد که آیا این طرح با ممنوعیت و محدودیت‌های جنسیتی همراه خواهد بود یا خیر. اینکه آیا زنان نیز امکان استفاده از دوچرخه‌ها را دارند یا نه. متولی پیگیری این داستان محسن پورسیدآقایی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران است. در همه مراحل اجرائی این طرح هیچ تفاوتی میان شهروندان گذاشته نشده است و برنامه‌ریزی‌ها هم برای دردسترس‌بودن این امکانات برای همه علاقه‌مندان است، برای همین پورسیدآقایی نیز در تشریح نحوه فعالیت پروژه دوچرخه‌های شهری می‌گوید: تأکید ما بر استفاده همه شهروندان است به این دلیل که هیچ تفاوتی برای استفاده زنان و مردان از امکانات رفاهی وجود ندارد، طبیعتا همان‌طورکه پوشش آقایان در استفاده از امکانات به خود شهروندان مربوط است، پوشش زنان هم از این قاعده مستثنا نیست. مسئولیت حجاب و رعایت شئونات اسلامی با خود افراد است و شهرداری و نه هیچ ارگان دیگری نمی‌تواند در این موضوع مسئولیتی قبول کند. او باز هم تأکید کرد تا امروز هیچ محدودیتی برای استفاده زنان از دوچرخه وجود نداشته و دراین‌باره بیشتر توضیح داد: درحال‌حاضر چنین محدودیتی وجود ندارد، متأسفانه اگر به هر دلیلی چنین نگرانی‌ای پیش بیاید، حتما به نقطه ضعف این طرح تبدیل می‌شود و طرح شکست می‌خورد. واقعیت این است که در دنیای امروز و برنامه‌های پیشرفته زندگی دیجیتال، دیگر بحثی به نام تفکیک جنسیتی وجود ندارد و ما نمی‌توانیم یک برنامه دوچرخه اشتراکی درست کنیم و از اپلیکیشن بخواهیم جنسیت را تشخیص بدهد و بعد بگوید شما چون زن هستید نمی‌توانید از این برنامه استفاده کنید! اتفاقا در دنیای امروز کار ساده شده و هر شهروندی می‌تواند اپلیکیشن را نصب و بعد از ثبت درخواست خود از طریق GPS تلفن همراه نزدیک‌ترین دوچرخه را انتخاب و با استفاده از کد فعال‌سازی قفل آن را آزاد کند. اتفاقا از نگاه این مدیر شهری ایده خیلی فراتر از این است که زن یا مردی سوار بر این دوچرخه‌ها باشند و در شهر تردد کنند، به گفته پورسیدآقایی هدف نهایی فرهنگ دوچرخه‌سواری خانوادگی است: برنامه این است که آن‌قدر این راه ساده باشد که والدین همراه فرزندانشان دوچرخه‌سواری کنند و با رفتار خود به فرزندشان بیاموزند که برای حفظ محیط زیست یا کاهش آلودگی هوا تلاش کند. معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران معتقد است: مادر یا پدری که دوچرخه‌سواری می‌کند و با آگاهی از قوانین و اصول رانندگی در شهر تردد می‌کند، از دوچرخه‌سواری فرزندش هم ترسی ندارد و به‌سادگی راه را برای استفاده او از دوچرخه هموار می‌کند به گفته او، تلاش مجموعه طراحان و اجراکننده‌های این پروژه شهری دقیقا همین است که نگرانی‌ها نسبت به استفاده از دوچرخه حذف و به‌سادگی استفاده از دوچرخه به اولین انتخاب حمل‌ونقلی افراد تبدیل شود. پورسیدآقایی معتقد است راه زیادی تا نهادینه‌شدن فرهنگ دوچرخه‌سواری داریم، اما اگر بتوانیم قدم‌های محکمی برای این کار برداریم، آینده‌ای سبز و روشن را به فرزندانمان هدیه کرده‌ایم. وی با تأکید بر حضور همه شهروندان تهرانی در طرح استفاده از دوچرخه‌های هوشمند و پروژه اشتراک‌گذاری دوچرخه، درباره فراگیری این طرح در پایتخت گفت: در مرحله ابتدایی اجرای دوچرخه‌سواری همگانی، مناطق ۶، ۷، ۱۱ و ۱۲ میزبان دوچرخه‌سواران می‌شوند تا اگر شهروندی به‌ناچار با وسیله نقلیه شخصی یا حتی وسیله نقلی عمومی به مناطق مرکزی شهر رسید، به‌سادگی و با استفاده از دوچرخه‌های آزاد در منطقه در این حوزه فعالیت کند و بدون نگرانی از جای پارک، به‌دنبال فعالیت خود برود. به گفته او، ابتدایی‌ترین روش این است که در ایستگاه‌های مترو این دوچرخه‌ها در دسترس باشند تا دوچرخه‌سواران هم برای رسیدن به مترو و هم خروج از آن دسترسی ساده‌ای به دوچرخه داشته باشند.

سازمان امور مالیاتی کشور

آگهی اخطار

آقای امید محمد زاده (۱۴۱۸۳۰۰۵۸۰۹)

کارمند: اداره امور مالیاتی شهر واستان تهران

نظر به اینکه در اجرای رای شماره۴/۹۷/۱۸۹هب مورخ۹۷/۰۳/۲۹صادره از(شعبه چهارم) هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری سازمان امور مالیاتی کشور به مجازات ((اخراج ازسازمان متبوع)) محکوم شده اید.

بدینوسیله مفاد رای مزبور به شما ابلاغ می گردد ضمنا رای مذکور قابل تجدید نظر می باشد و در صورت اعتراض حداکثر ظرف مدت ۳۰روز پس از نشر آگهی اعتراض خود را به تهران، میدان امام خمینی (ره) خیابان داور سازمان امور مالیاتی کشور اداره کل منابع انسانی و رفاه(امورقضایی) تسلیم نمایید ،درغیر اینصورت به استناد تبصره ۱ ماده۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری این رای از تاریخ انقضاء مهلت مذکور لازم الاجرا خواهد بود.

م الف ۱۶۴۲